

در گفت‌وگو با فیروزه صابری، مدیر عامل بنیاد توسعه کار آفرینی زنان و جوانان مطرح شد

گرایش‌هایی از کار در حوزه توانمندسازی زنان



عکس: شهر واد | تصویر: شهر واد

شهرستان قائن و هنرستان‌های دخترانه بیرجند، کرج، یزد و... به صورت موردی این ایده انجام می‌شود و مشغول طرح‌ریزی هستیم تا آن را به آموزش و پرورش ارایه دهیم. در این طرح به نوعی یک هنر جو، مینیاتوری از یک کسب و کار را اجرا می‌کنند. حوزه مورد کار آفرینی هستند و ما روی فعالیت آنها تمرکز داریم که بتوانند حامی جوانان و ایده‌های خلاق آنها باشند. یک بخشی از این کار به ساخت مستند در زمینه‌ها می‌گردد که الگوهای موفق چه مرد و چه زن را در عرصه کار آفرینی مستند کرده و تبدیل به فیلم می‌کنیم. در این حوزه که در خصوص کسب و کار فامیلی در ایران آمار و ارقام درست و دقیقی وجود ندارد و دلیل ورود ما به این حوزه این بود که اگر جوانی ایده‌های خلاق داشته باشد، در این فضا بستر برای رشد به راحتی فراهم می‌شود. حوزه دیگر حوزه پژوهش در خصوص کسب و کار آفرینی و مزیت آن در مناطق گوناگون است که ما به صورت پروژه‌ای در این خصوص فعال هستیم و حوزه آخر هم

● در بسیاری از کشورهای قاره‌های آسیایی و آفریقایی فعالیت‌های داوطلبانه وجود دارد که دارای اهمیت بسیاری است چرا که احساس مسئولیت اجتماعی آن‌ها در رشدشان می‌دهد.

● واقعیت این است که ما در بحث‌های قانونی مشکل نداریم بلکه بیشتر نظارت شخصی است که ایجاد مشکل می‌کند. برای مثال منع کار کردن زنان و دختران در کافی‌شاپ‌ها که چندی پیش مطرح شد، در قانون چنین چیزی وجود ندارد چرا که طبق قانون اساسی زن و مرد آزادانه شغلی را انتخاب کنند.

● مناسفانه آمار نهادهای مدنی بسیار ضد و نقیض است. ضمن این که طی سال‌های اخیر بسیاری از نهادهای مدنی به دلیل شریکات اجتماعی جامعه یا ناتوانی آن نهادهای تعطیل شدند ولی در بحث نهادهای مدنی کار آفرینی نیز تعداد بسیار کمی فعال هستند. نهادهای مدنی در حقیقت می‌توانند کارگرهای بسیاری داشته باشند اما وقت و انرژی بسیاری را صرف حاشیه می‌کنند.

● ما در زاهدان طرح داشتیم و نهادی در آن‌جا ایجاد کردیم که این نهاد عامل آموزش و کمک به کسانی است که به صورت سوزن دوز و... مشغول به کار هستند و این امر حتی در خصوص کودکان هم با اجرای کلاس‌های آموزشی انجام گرفته است. یا در خوزستان و آبادان از ابتدا نهادهای مدنی آن مناطق در کنار ما بودند و ما تجربیاتمان را در خدمت آنان قرار می‌دادیم که وقتی کارمان تمام شد، خود به خود آنان توان و ظرفیت برای ادامه کار را داشته باشند.

● ما تاکنون از طریق تشکلهای دیگر و سازمان‌هایی که با کار ما آشنا بودند، ارتباط برقرار کردیم. برای مثال روی ایده‌های ما توافق رسیدیم. ۱۵۰ دانش‌آزموده را شناسایی کردیم. برنامه آموزشی برایشان برگزار کرده و سپس با کمک آنها صاحبان انجام دادیم و نوع کاری را که می‌توانستند انجام دهند برایشان مشخص شد.

ما در زاهدان طرح داشتیم و نهادی در آن‌جا ایجاد کردیم که این نهاد عامل آموزش و کمک به کسانی است که به صورت سوزن دوز و... مشغول به کار هستند و این امر حتی در خصوص کودکان هم با اجرای کلاس‌های آموزشی انجام گرفته است. یا در خوزستان و آبادان از ابتدا نهادهای مدنی آن مناطق در کنار ما بودند و ما تجربیاتمان را در خدمت آنان قرار می‌دادیم که وقتی کارمان تمام شد، خود به خود آنان توان و ظرفیت برای ادامه کار داشته باشند. برخی از این انجمن‌ها از گذشته فعال بودند که ما برای توسعه آنان تلاش کردیم و برخی هم ایجاد شدند که کمک کردیم به ایجاد آنها اما تلاش کردیم که خودشان، خودشان را اداره کنند.

● آیا آماری در خصوص زنانی که در این مناطق به اشتغال دست یافته‌اند، وجود دارد؟

خیر. مناسفانه ما آمار درست و دقیقی در این خصوص نداریم. از سبویی آماری که توسط مراجع ذیربط مطرح شده نشان دهنده این امر است که بین ۲ میلیون و ۵۰۰ تا ۳ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارد و البته این آماری است که توسط بهزیستی و کمیته‌امداد آرایه می‌شود و بسیاری از زنان نگرده‌اند و در برخی از شهرها همان‌طور که شما نیز به آن اشاره کردید، بسیار بیشتر از سایر مناطق است.

● شما یکی از مواردی که در برنامه‌های بنیاد خود به آن تأکید داشته‌اید، شکل‌گیری شبکه زنان کار آفرین است. این امر را از چه طریقی دنبال کرده‌اید؟ شبکه را معمولاً جمع‌ای از تشکلهای می‌توانند ایجاد کنند و از اینرو تشکلهای ما به ظرفیت‌سازی نیاز دارند. فردی که در یک انجمن یا انجمنی قرار می‌گیرد باید حضور جمع را حس کند و روحیه تشکلهای تشکلهای داشته باشد و این روحیه در جامعه ما بسیار کم است و به همین دلیل ما باید تمرین مکرر کنیم. از سوی دیگر باید فضا و بستری ایجاد شود که اطمینان بخش باشد. مناسفانه فضا به شکلی است که از اسم شبکه می‌ترسند. اگر اینها رشد پیدا کنند، می‌توانند باری را از دوش دولت بردارند. به گمان من خدمات اجتماعی در جامعه‌ها نیز از جمله وظایف آن‌ها است. برای مثال تشکلهای محیط زیست را اگر تقویت می‌کردیم شاید بسیاری از مشکلات فعلی در این حوزه به وجود نمی‌آمد چرا که اثر گذاری سخن آنها به مراتب بیشتر از دولت می‌بود. از سوی دیگر فضای مجازی هم بسیار می‌تواند به این امر کمک کند و در گسترش شبکه‌ها موثر باشد. شبکه در واقع جریان می‌سازد و در حال حاضر هم یک بخشی از آن فعال است. بسیاری از افراد و گروه‌های دیگر ممکن است عضو انجمنی چون انجمن ما نباشند اما به نوعی در این شبکه حضور دارند. ولی این سازمان یافته نیست که بتوان از امکانات، منابع و تجربیات یکدیگر به خوبی استفاده کنند. در صورت شکل‌گیری شبکه، مطالبات جمعی بهتر پیش خواهد رفت و بهبود محیط کسب و کار و نیازهای این محیط نیز بهتر رفع خواهد شد اما شکل‌گیری شبکه، هم بیرونی است و هم درونی. یک بخش از آن برمی‌گردد به خود افراد که با حقیقت‌اند یا حقوقی و از این منظر نیز ما با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رویم هر چند تلاش‌های بسیاری را در این راستا شکل داده‌یم.

● اما نگاه به نهادهای مدنی در ایران نهادینه نشده است و برداشتهای نادرستی نیز در این زمینه وجود دارد و این مشکل در خصوص نهادهای مرتبط با زنان بیش از پیش به چشم می‌آید...

بله، بسیاری از افرادی که پیش ما می‌آیند فکر می‌کنند ما مام می‌دهیم و این نگاه اشتباه است. ما در ایران سابقه داشتن خیریه‌ها و حضور خیرین را داریم اما پول بوده و حمایت و انتظار اجتماعی هم در ریاضت پول بوده و در حقیقت پول نقش تعیین‌کننده‌ای داشته در صورتی که بحث نهادهای مدنی، بحث پول نیست و استفاده از پول تنها کاتال حمایتی محض است که مانع رشد و توانمندی می‌شود. مردم باید نسبت به این موضوع آگاه شوند که فعالیت مدنی و داوطلبانه چه معنایی دارد و چه کارهایی را می‌شود به صورت داوطلبانه انجام داد و اگر کسی وارد این حوزه می‌شود، به دنبال هویت اجتماعی و رضای شخصی است. این به نوعی نیازمند فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌ها و آموزش و پرورش و... است. در بسیاری از کشورهای قاره‌های آسیایی و آفریقایی شغلی رزومه می‌دهند. بخشی به‌عنوان فعالیت‌های داوطلبانه وجود دارد که دارای اهمیت بسیاری است چرا که احساس مسئولیت اجتماعی آن فرد را نشان می‌دهد. حتی بسیاری می‌پرسند که چرا این کارها را داوطلبانه انجام می‌دهید؟ باید الگوهای موفق، کار کرد، اثر گذاری و نقش‌شان معرفی شود و ما نشست‌های تخصصی داشتیم که نهادهای موفق در حوزه کاری خود را معرفی کردیم و این هم عاملی شد تا شبکه‌های میان این نهادهای شکل بگیرد.

● ما چه میزان از تجربیات تشکلهای خارج از کشور در خصوص فعالیت در راستای زنان و جوانان بهره‌برداری می‌کنید؟

ما در مورد آموزش جوانان، نوکار آفرینان و آموزش جوانان در مدارس به صورت مستمر کارهای خارج از کشور را رصد می‌کنیم ولی به هر حال این امر باید منطبق با نیاز و روح و روان جامعه باشد. ما در برخی از استان‌ها منطبق با نیاز و ساز و کار فرهنگی آنجا جلو می‌رویم چرا که ما یک فرهنگ عمومی داریم و یک خرده فرهنگ که متناسب با استان‌های مختلف متفاوت است و همچنین قابلیت هر منطقه از جهت اجتماعی و اقتصادی نیز با یکدیگر متفاوت است.

ادامه در صفحه ۱۱

زن‌ها بلند چطور با زندگی کنار بیایند

ما برای گرفتن مجوز و ثبت‌نشان مهریاف هنوز مشکل داریم. ما خودمان شروع کردیم و خودمان هم قرار است ادامه دهیم. در این بین وقتی کاموای ۳ هزار تومانی، ۹ هزار تومانی می‌شود، روی تولید اثر خودشان را می‌گذارد. هر چند که ما جزو خوش شانس ترین‌ها بودیم که خیلی‌ها به مهریاف آمدند و با خریدهای خود از ما حمایت کردند، کسانی که بیشتر ما را می‌شناختند و در نهادهای مدنی مختلف طی سال‌های گذشته همکاری‌های مشترکی داشتیم. آینده مهریاف هم در گرو تثبیت بازار، حمایت از کالاهای داخلی و فروش خوب است تا ماندگاری اقتصادی داشته باشیم و بتوانیم کاری را که شروع کردیم تا سال‌های دورتر ادامه دهیم.

● قول و قرارهایی که سر جای خودش نمائند

زندگی این روزها به خیلی‌ها سخت گرفته است. به همه آدم‌هایی که می‌خواستند زندگی خوبی داشته باشند اما روزشان به تورم و گرانی شدن روز به روز مایحتاج زندگی نرسید. به همه آنهایی که با خودشان قرار گذاشته بودند بهترین‌ها را برای خانواده خود فراهم کنند اما همه چیز دست به دست هم داد تا هیچ قول و قرار بی‌جای خودش باقی نماند. برای همین هم کار شدغدغه‌هایی اکثر خانواده‌ها. خانواده‌هایی که دیگر تنها مرد سرپرست خانواده نبود و هر کس می‌باید برای بهتر شدن زندگی تلاش می‌کرد. تلاش‌هایی که گاهی از میانسالی شروع می‌شد، مثلاً از وقتی که بچه‌ها بزرگتر می‌شدند و آینده مبهم تر. نمونه‌های هاشمی یکی از

ما خودمان شروع کردیم و خودمان هم قرار است ادامه دهیم. در این بین وقتی کاموای ۳ هزار تومانی، ۹ هزار تومانی می‌شود، روی تولید اثر خودشان را می‌گذارد. آینده مهریاف هم در گرو تثبیت بازار، حمایت از کالاهای داخلی و فروش خوب است تا ماندگاری اقتصادی داشته باشیم و بتوانیم کاری را که شروع کردیم تا سال‌های دورتر ادامه دهیم.

● بافنده‌های مهریاف است که می‌گوید: «بعد از این همه سال آدم‌ها سر کار برای این که بتوانیم بهتر زندگی کنیم. برای این که هر ماه منتظر نباشیم کی سرام می‌رسد و دوباره همسرم حقوق می‌گیرد. سال‌ها خانمان بودم و تنها برای دوست و آشنا گاهی بافتنی می‌بافتم. بدون مزد و چشمانداشتم. اما زندگی هر روزش با روز قبل فرق می‌کند. گفتم حالا که بچه‌ها بزرگتر شدند و زندگی سخت‌تر، بیام و باز کاری که می‌شد سال‌ها پیش درآمد داشته باشم و نداشتیم، پولی در بیآورم. برای بهتر شدن زندگی و برای این که بچه‌ها بزرگتر شده‌اند خرج و مخارجشان هم بیشتر شده است. حالا می‌آیم سر کار تا هم کمک خرج زندگی باشم هم این‌ها مشکلاتم را چند ساعتی بگذارم ببرون و به این فکر کنم که کنار آدم‌هایی از جنس خودم خوشحالم. حالم خوب است و جایی هست برای این که بتوان برای چند ساعتی به هیچ‌دغدغه‌های فکر نکردم.» داشتن درآمد بیشتر و بودن کنار آدم‌های خوب غنیمت است برای آنهایی که در اقتصاد سخت این روزها، نقش پر رنگی دارند. همان‌هایی که داستان هر کدامشان اندازه یک کتاب حرف دارد. زیبا اسد است که آمده تهران. سرسبزی شهرهای شمال را رها کرده و بعد از فوت پدرو مادری که عمری پرستارشان بوده، آمده برای این که در تهران خرج زندگی خودش را در بیآورد. سرسبزی نماند و چشمانداشتمی به زندگی خواهر و برادرش نداشته باشد. زیبا متولد ۱۳۴۰ است و ازدواج نکرده. زندگی خودش را به راحتی اداره می‌کند و قرار هم نیست کسی خرج زندگی‌اش را بدهد. به کسانی مثل زیبا «خودسرپرست» می‌گویند. از خیلی وقت‌ها پیش کار بافتنی با ماشین را یاد گرفته. «شمال هم که بودم مشتری‌های خودم را داشتم اما تهران را به هم جای ایران فرقی می‌کند. هر چند اوایل آمدیم به تهران همه چیز خیلی ترسناک به نظر می‌آمد اما من تصمیم گرفته بودم خودم زندگی‌ام را اداره کنم الان هم از زندگی رضایم. رضایم به این که کنار آدم‌هایی کار می‌کنم که از جنس خودم هستند و دردهای مشترک همدیگر را می‌فهمیم. رضایم به این که خانه و زندگی خودم را دارم و محتاج نیستم کسی خرجم را بدهد. شاید گاهی وقت‌ها زندگی سخت شود اما چاره‌ای نیست. زن‌ها همیشه بلندند چطور با زندگی کنار بیایند.



عکس: شهر واد | تصویر: شهر واد